



روزنامه فرهنگی-اجتماعی-اطلاع رسانی صاحب امتیاز: شهرداری مشهد مدیر مسئول: سید مهتم موسوی مهر سردبیر: سید مسجاد طلوع هاشمی نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸-۱ شماره تلفن: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴-۵۱ روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲ شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

دما: ۴۷٪
 ۱۳° ↑ ۲۰° ↓
 ۱۱ ظهر
 ۳ صبح
 ۶ عصر
 ۳ شب

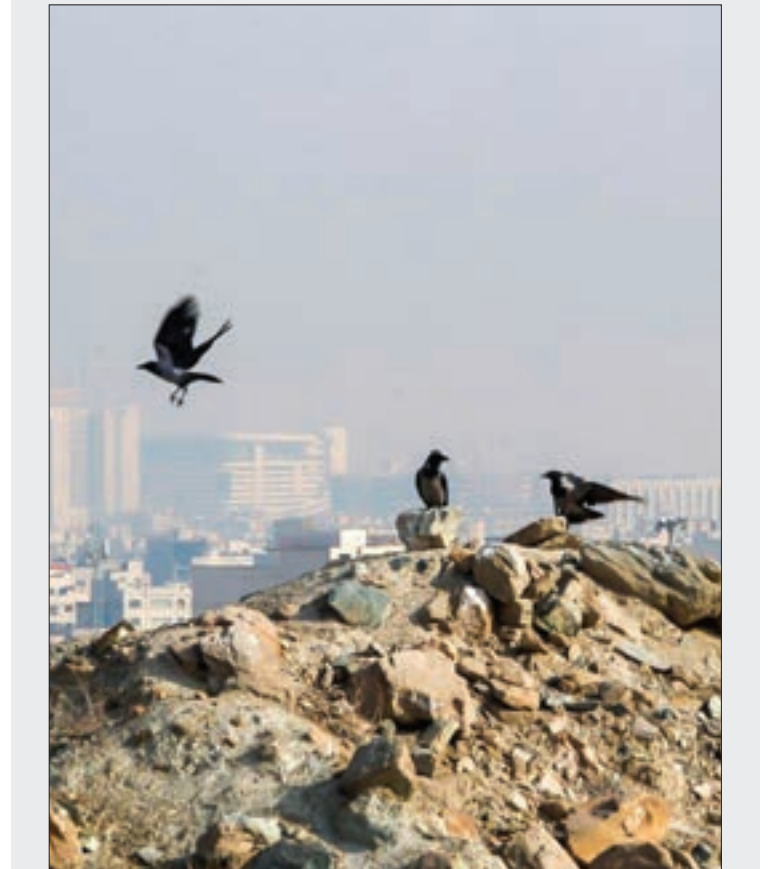
اذان ظهر: ۱۱:۲۵:۲۸ نیمه شب شرعی: ۲۲:۴۰:۱۱
 غروب آفتاب: ۱۶:۱۷:۰۵ اذان صبح فردا: ۰۵:۰۳:۵۸
 اذان مغرب: ۱۶:۳۷:۳۰ طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۳۴:۳۴



شهادت ناصر مطلوبی

تاریخ شهادت: ۱۳۴۰/۰۲/۱۴
 تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۰۹/۲۲
 محل تولد: مشهد
 محل شهادت: محورآبادان ماهشه

عکس روز



حواستان به هوا باشد!

زندگی در کلان شهر اگر هزار حسن داشته باشد معایب متعددی هم دارد که یکی از این عیب‌ها که نفس گیر هم هست! آلودگی هواست. مدارس و ادارات و... پایتخت به خاطر آلودگی هوا تعطیل شد، حالا امروز در خیرها می‌خوانیم هوای مشهد هم در شرایطی آلوده و ناسالم قرار دارد. سرپرست اداره کل حفاظت محیط زیست استان از مردم خاسته است تا حامکان از خانه بیرون نیایند و از تردد غیرضروری با وسیله نقلیه هم دوری کنند.

عکس: محسن بخشنده/شهرآرا

حکایت

به گمراه گفتن نکو می‌روی

[...]

به گمراه گفتن نکو می‌روی
 جفایی تمام است و جویری قوی
 هر آن‌گه که عیبت نگویند پیش
 هنر دانی از جاهلی عیب خویش
 مگو شهد شیرین شکر فایق است
 کسی را که سقمونیا لایق است
 چه خوش گفت یک روز دارو فروش:
 شفا بایدت داروی تلخ نوش
 اگر شربت پایت سودمند
 ز سندی ستان تلخ داروی پند
 به پرویزن معرفت بیخته
 به شهد ظرافت برآمیخته

بوستان سعدی- باب اول در عدل و تدبیر و رای

اول شخص

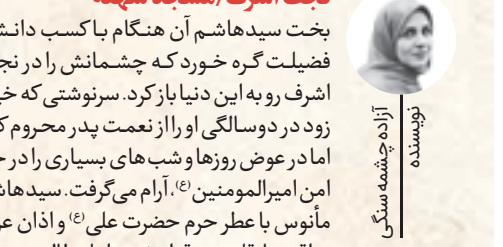
فقیه آزاده*

یادی از آیت... سیدهاشم میردامادی نجف آبادی، از روحانیون تأثیرگذار در واقعه مسجد گوهرشاد که ۱۳۳۹ درگذشت

خبر رسیده بود حکم حکومتی آمده به کشف حجاب اجباری. حکمی که در همان ابتدای صدور با مقاومت جدی مردم در تمام شهرهای ایران بالاخص مشهد روبه‌رو شد. مردم ایایی از آزان‌های مسلح و فضای وحشت‌بار حکم بر شهر نداشتند. وقتی کار به جسارت در حرم مطهر رضوی و کشتار مردم در مسجد جامع گوهرشاد کشید، آیات عظام طراز اول همگی در خانه آیت... سید یونس اردبیلی جمع شدند. در این میان، چهره سیدهاشم میردامادی نیز به چشم می‌آمد. او که تا همین دیروز در صحن مسجد گوهرشاد مشغول روشنگری مردم بود و منابرش، محفلی برای مبارزه با سیاست‌های ظالمانه رضاخانی بود. حالا شانه‌به‌شانه دیگر علما به میانه میدان آمده بود تا با صدور اعلامیه، علیه عملکرد دهشت‌بار دستگاه حکومتی، اعلام انزجار کند. پس از آن جلسه تاریخی بود که فهرست بلند بالایی از علما به دست دربار رسید و خیلی زود دستور دستگیری و تبعید علما به مناطق مختلف صادر شد. آیت... میردامادی نیز محکوم به تبعید بود و باید خیلی زود به همراه خانواده راهی سمنان می‌شد.

نجف اشرف/مسجد سهله

بخت سیدهاشم آن هنگام با کسب دانش و فضیلت گره خورد که چشمانش را در نجف اشرف رو به این دنیا باز کرد. سرنوشتی که خیلی زود در دوسالگی او را از نعمت پدر محروم کرد، اما در عوض روزها و شب‌های بسیاری را در حرم امن امیرالمومنین^(ع) آرام می‌گرفت. سیدهاشم، مأنوس با عطر حرم حضرت علی^(ع) و آذان عربی عراقی‌ها، قلب بی‌قرار خود را با مطالعه و توریق علوم دینی آرام می‌کرد. مادرش اما قرار نداشت. باریک‌زندی روی دوشش بود و از همان کودکی سیدهاشم، روی سال‌های نوجوانی و جوانی‌اش حساب کرده بود. با خودش می‌گفت تا همیشه قوت به دست و پایش نیست. چشم می‌کشید سیدهاشم از آب‌وگل دربیاید بشود عصای دستش. زندگی در این شهر برای زنی تنها، مشقت بار بود. اما با دل جوانک سر به زیر و محبوب خود چه می‌کرد؟ او شیفته تحصیل بود. علوم ابتدایی و مقدماتی را آن‌چنان با اشتیاق دنبال می‌کرد که گویی این آخرین فرصت توریق کتاب‌هاست. دست آخر، یکی از استادان سیدهاشم، واسطه پسر و مادر شد. روزی، کم یازید، دست خدا بود و معاش اهل خانه می‌رسید. آنچه داشت به سرعت از دست می‌رفت. جوانی سیدهاشم بود که با حسرت پشت درهای حوزه علمیه نجف اشرف پرسه می‌زد. دل مادر، تسلیم قلب سیدهاشم شد. حالا می‌توانست با خیال راحت پا به جرحه‌های حوزه نجف بگذارد و خود را به استادان و از همه مهم‌تر مادرش اثبات کند. هنوز خیلی جوان بود که به مقام اجتهاد رسید. اهل علم او را به پشتکار و ممارست می‌شناختند اما خودش عقیده داشت شیرپاک و لقمه حلال سفره مادری‌اش او را به توفیق اجتهاد نزدیک کرده. با این حال، قدم در مسیر روحانیت، تصمیم درستی بود که در بزنگاه جوانی گرفته بود. زیرا وسواس سیدهاشم در رویاری با مال‌سپه‌ناک، هرگز نمی‌توانست از او یک بازاری موفق بسازد. اساس زندگی سیدهاشم قناعت بود و گاه انفاق را بیش از اضافات مالش در راه خدای داد. هیچ ثروتی در آن شهر قدر دو رکعت نماز در مسجد سهله و یک نظر به ایوان طلائی نجف، قیمت نداشت.



آیت... میردامادی را کسالت بود که به ایران کشانید. سال‌های اقامت او در مشهد به تدریس و اقامه نماز و برپایی منابر اخلاق و عدالت می‌گذشت که ذره ذره صدای چکمه‌های رضاخان و سیاه او، در شهر پیچید.

شهری/حرم عبدالعظیم حسنی

هفت سال طول کشید. هفت سال دوری از خورشید خراسان و اکتفا به عزلتی که او را از تدریس و سخنرانی و اقامه نماز و فعالیت‌های اجتماعی دور می‌کرد. تبعید ظالمانه‌ای که در میانه راه، کمر صبر آیت... را خم کرده بود. آن قدر که شبانه تمام اعضای خانواده‌اش را جمع کرد. در حالی که همگی کفش‌های کتانی بی‌صدایی به پا کرده بودند و با مشت‌نات و کمی آذوقه، راهی بیراهه‌های حوالی سمنان می‌شدند. هنوز به میانه راه نرسیده بودند که مأمورها مثل مور و ملخ بر سرشان آوار شدند و به سمنان بازگشتند. اما بالاخره دوران تبعید تمام شد. او این بار به تهران رفت. شهری، در جوار حرم حضرت عبدالعظیم. بنا داشت در پیشانی بزرگ‌ترین نماز جماعت شهر بایستد و این بار از این منبر، در کنار مردم قرار بگیرد. او خیلی زود اهالی شهر را جذب علم و معرفت خود کرد، اما دست آخر باید به مشهد برمی‌گشت. جایی که در تمام این سال‌ها، دل‌تنگ آفتاب گرم و بی‌تکرار آن بود.

مشهد/حرم مطهر رضوی

حالا بار دیگر صدای گرم و نفس دل‌نشین آیت... میردامادی در شبستان مسجد گوهرشاد می‌پیچید. جلسات تفسیر قرآن او در این فضا، آدم‌های زیادی را مجذوب خود کرده بود. حالا دیگر سربازهای رضاخان رفته بودند. اثری از رد گلوله‌ها و لک خون بر در و دیوار

مشهد/مسجد گوهرشاد

آیت... میردامادی را کسالت بود که به ایران کشانید. سال‌های اقامت او در مشهد به تدریس و اقامه نماز و برپایی منابر اخلاق و عدالت می‌گذشت که ذره ذره صدای چکمه‌های رضاخان و سیاه او، در شهر پیچید.



آیت... میردامادی به همراه تعدادی از شاگردان و مریدان



بخشی از پیام رهبر معظم انقلاب به همایش بزرگداشت مرحوم آیت... میردامادی

حقیق در دوران کودکی و نوجوانی تا اوایل جوانی از اقبال حضور در آن برخوردار بودم رشحه‌ای از آن کلمات نورانی را به کام حاضران می‌ریخت و مجلس را با ذکر کلمات امامان هدایت (سلام...) علیهم) منور می‌ساخت. رفتار و منش عملی ایشان در زندگی شخصی به‌گونه‌ای بود که گفتارش را نافذ و اثرگذار می‌کرد. حضور

نافذ و اثرگذار

این روحانی عالی‌مقام در مدت نزدیک به چهل سال اقامت در مشهد مقدس، بیشترین تلاش خود را به تفسیر قرآن معطف کرده بود و محفل گرم و بی‌وقفه تفسیری جذابی در مسجد گوهرشاد (شبستان شمال غربی) برپا نموده بود. تسلط او بر حدیث چنان بود که در هر مجلس و محفل، حتی در جمع خانوادگی که این

شخص هفته

شود. با این اوصاف خودتان پیدا کنید این وسط چه کسی سود می‌کند، چه کسی ضرر!

جدال جاده و جلوبندی!

سازمان راهداری اعلام کرد که ۴۰ درصد جاده‌ها خراب هستند. اولش به نیمه پریوان نگاه کنیم و بگوییم: حالا درست است که با این چاله‌های عمیق که انگار محل برخورد شهاب سنگ با زمین است، لاستیک و رینگ و فنر و کمک فنر و آگزوز و بدنه ماشین خراب می‌شود، ولی در مقابل بازار لاستیک فروش‌ها و جلوبندی‌سازها و آگزوسازها خراب نیست. البته دیدن این لیوان نیمه پر، یک جیب تمام پر لازم دارد که اگر شما جایی آن را دیدید سلام مخصوص ما را برسانید!

در بسته خبری این هفته به ماجراهای موش‌ها و گربه‌ها، دورکارشدن کارمندان اداره‌ها، چاله‌چوله‌های جاده‌ها و برگشتن دوباره کوپن به آغوش گرم خانواده‌ها خواهیم پرداخت.

آن تغییر می‌کند، چون دل‌ال‌ها هم در اقتصاد ما بزینم به تخته، حضور همه جانبه دارند، وارد خرید و فروش کالاها می‌کوبنی می‌شوند و همین کالاها سهمیه کوپنی، دوباره سر از بازار آزاد درمی‌آورد، خودتان هم شناخت کافی از مسئولان دارید و می‌دانید معلوم نیست کوپن بعدی کی اعلام

برق، جاده و دست‌انداز

کالابریگ، برگشت؟

جوری که دولتمردان سخن می‌گویند احتمال بازگشت کوپن و به قول فرهنگستان زبان و ادب فارسی «کالابریگ» زیاد شده است. البته پیش‌بینی اینکه بعد کوپنی شدن هر جنس چه اتفاقی می‌افتد، زیاد سخت نیست. وقتی یک کالا کوپنی می‌شود، قیمت بازاری

مجید ادیبی

یکی از معضلات حضور ناآگاهانه افراد در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی این است که این فضا می‌تواند هویت واقعی آن‌ها را خدشه‌دار کند.

کارتون شهر